۲۱ آبان

رفع موانع فراگیری

با دقت بیشتری شروع به بررسی مواردی می‌کنیم که یک جلسه را امن و مناسب می‌کند.

پاک زیستن، فصل ٤، "از کار افتادگی"

ما چالش‌های اعتیاد، خطر، و تنزل آن را از نزدیک لمس کرده و می‌شناسیم. ما به یاد می‌آوریم که قدم گذاشتن در اولین جلسه مان چگونه بود - احساس اولین بارقه‌های امید. ما برای معتادانی که هنوز در عذابند، دعا می‌کنیم. ما آنها را درک می‌کنیم چون خودمان هم جای آنها بودیم. هم‌دلی به ما کمک می‌کند تا جلسات خود، مکان برگزاری آنها، و همه ارتباطات اجتماعی که اطراف ما هستند را از نگاه دیگران ببینیم.

ما واقعاً می‌خواهیم هر معتادی که به دنبال بهبودی است، وقتی از در جلسه وارد می‌شود احساس امنیت کند و مورد استقبال قرار گیرد. زمانی که از لحاظ روحانی در شرایط خوبی هستیم، هم‌دلی ما انتخاب‌های‌مان را تعیین می‌کند و تضمین می‌کند که فراگیر باشیم. اگر چه تنبل شدن آسان است. ما به نیاز دیگران توجه درستی نمی‌کنیم. ما حتی ممکن است رضایت خود را توجیه کنیم و ایده‌های جدید را با این جمله معروف نادیده بگیریم: "ما همیشه این کار را، این طوری انجام داده‌ایم."

تجربه راهی برای کنار زدن این خود پسندی دارد. هنگامی که یکی از اعضای گروه خانگی، با صندلی چرخدار وارد جلسه می‌شود ما نیاز آن را حس می‌کنیم تا مکان جلسه خود را به گونه‌ای انتخاب کنیم که برای آنها قابل دسترس باشد. هنگامی که یک عضو کم شنوا اهمیت نشانه‌های بصری در ارتباط را توضیح می‌دهد، ما از او پیروی می‌کنیم. ما چیدمان اتاق را با توجه به نور و صدا تغییر می‌دهیم. وقتی اعضایی از بیرون، با فرهنگ متفاوت به جلسه می‌آیند، ما نهایت سعی خود را می‌کنیم تا به آنها خوشآمد بگوییم. اگر تنوع اعضاء، شخص ما را به چالش می‌کشد، شاید لازم باشد ملاحظات خود را در مورد پیام NA بررسی کنیم. ما مجدداً به این پیشنهاد متعهد می‌شویم که هر معتادی می‌تواند در NA بهبود یابد. هم‌دلی، سخاوت و فراگیری به ما دیدگاه تازه‌ای می‌دهد تا به معتادان کمک کنیم در مکانی امن و پذیرا تسلیم شوند.

همانطور که سنت یک به ما پیشنهاد می‌دهد ما منافع مشترک خود را در رأس قرار می‌دهیم. ما برای نیازهایی برنامه‌ریزی می‌کنیم که هنوز در ظاهر مشخص نیستند. ما موانع مشارکت - فیزیکی، بینشی– یا فرهنگی را از بین می‌بریم و آنچه در توان داریم، انجام می‌دهیم تا NA واقعاً در دسترس همه ما باشد.

من با دیدی تازه، گروه خانگی خود را نگاه خواهم کرد و تصور خواهم کرد که چگونه فردی متفاوت از من، ممکن است آن را تجربه کند. چه کاری می‌توانم انجام دهم تا افرادی که برای اولین بار در جلسات شرکت می‌کنند، احساس امنیت و استقبال بیشتری کنند؟